

## رابرت وانوی، تاریخ عهد عتیق، درس ۱۴

### پیدایش ۴-۵ - قابیل و هابیل

#### ۱. مرگ هابیل

بیا بید به پیدایش ۴ و ۵ برویم. ۱. در برگه شما آمده است: «مرگ هابیل». چند نکته در مورد مرگ هابیل در پیدایش ۴ باید توجه داشت. اول، اولین مرگ ناشی از قتل است. خدا گفته بود: «هرگاه از درخت بخورید، خواهید مرد» و مطمئناً این اتفاق می‌افتد و محقق شد، اما متوجه می‌شویم که اولین مرگ، مرگ واقعی، طبیعی نبود. این قتل بود، و نه تنها قتل، بلکه کشتن یک برادر بود. چیزی که اوضاع را بدتر می‌کند این است که این مرگ ناشی از نفرت بود زیرا قربانی هابیل توسط خدا پذیرفته شد و قربانی قابیل پذیرفته نشد. به همین دلیل، او برادرش را می‌کشد. بنابراین اولین مرگ ناشی از قتل در پیدایش فصل چهارم، در آیات اولیه آن است.

#### ۲. قربانی‌های قابیل و هابیل

دومین نکته‌ای که در مورد مرگ هابیل مطرح می‌شود، مسئله‌ی قربانی‌هایی است که آورده شده و این سوال که چرا خدا قربانی هابیل را پذیرفت و قربانی قابیل را نپذیرفت. مطمئن نیستیم که بتوانیم به طور کامل به این سوال پاسخ دهیم، اما در آیه ۴ این جمله را دارید: «هابیل از نخست‌زادگان گله خود و چربی آن را آورد و خداوند به هابیل و قربانی او احترام گذاشت، اما به قابیل و قربانی او احترام نگذاشت و قابیل بسیار خشمگین شد و رویش را به زیر انداخت. و خداوند به قابیل گفت: «چرا خشمگین هستی؟ چرا رویت را به زیر انداخته‌ای؟» «سپس آیه ۷، که آیه‌ی دشواری است، می‌گوید: «اگر نیکویی کنی، آیا پذیرفته نخواهی شد؟ و اگر نیکویی نکنی، گناه بر در است و تو آرزوی او خواهی بود و بر او مسلط خواهی شد.» فکر می‌کنم آیه ۷ دلالت بر این دارد که نگرش، نکته‌ی «مهم در آوردن قربانی است». اگر نیکویی کنی، آیا تو نیز پذیرفته خواهی شد؟

اگر در عبرانیان ۱۱:۴ بخوانید، این عبارتی است که اغلب به این سوال مربوط می‌شود که چرا یکی پذیرفته شد و دیگری رد شد: «به ایمان، هابیل قربانی نیکوتری نسبت به قائن به خدا تقدیم کرد و به همین دلیل شهادت داده شد که عادل است.» حال، بسیاری بر این باورند که نکته‌ی مهمی که بین این دو قربانی تمایز قائل می‌شد، این نبود که قائن میوه‌ی زمین و هابیل یک حیوان آورد؛ این تفاوت در نوع قربانی نبود، بلکه تفاوت در تمایل قلبی بود و هابیل با/ایمان قربانی نیکوتری تقدیم کرد. سوال دیگری که اغلب در اینجا مطرح می‌شود این است: هابیل چقدر از نوع خاص قربانی که باید آورده می‌شد یا حتی از اینکه قربانی باید آورده می‌شد، اطلاع داشت؟ پیش از این، ما هیچ اطلاعاتی در متن نداریم که به ما بگوید خدا در مورد موضوع قربانی دستورالعملی داده است. یادتان هست در جلسه قبل، در پیدایش ۳:۲۱ گفتیم که وقتی کت‌ها از پوست ساخته می‌شدند، برخی احساس می‌کنند که در آن زمان رسم قربانی انجام شده و در رابطه با آن دستورالعملی داده شده است. اگر اینطور باشد، در متن گفته نشده است، بنابراین این موضوع حدس و گمان می‌شود. ممکن است چیزی در آن وجود داشته

باشد و ممکن است نباشد. اگر چیزی در آن وجود داشته باشد، پس ممکن است هابیل از آن دستورالعمل پیروی کرده باشد و قابیل نه، اما می‌بینید که کل این ساختار نسبتاً حدس و گمان است.

وارفیلد در مورد پیشکش قابیل - پیاکولار در مقابل هدیه

در بحثی از بی.بی. وارفیلد، که در کتابشناسی شما، در کنار آخرین مدخل در صفحه ۹، مقاله‌ای با عنوان مسیح قربانی ما «آمده است - این مقاله در این جلد از مقالات با عنوان «مبانی کتاب مقدس»، صفحات ۱۶۷ تا «آمده است. این کل مقاله نیست، اما جایی که او در مورد این متن خاص بحث می‌کند، بحث جالبی در مورد ۱۶۹ قربانی قابیل و هابیل وجود دارد. اجازه دهید فقط یک پاراگراف را اینجا بخوانم. او در توضیحات خود در مورد آنچه در اینجا در پیدایش ۴ اتفاق افتاده است، می‌گوید: «به سختی می‌توان گفت که تفسیر بین خطوط بسیار نادرست است اگر فرض کنیم که روایت موجود در فصل چهارم پیدایش از یک سو برای توصیف منشأ پرستش قربانی و از سوی دیگر برای تمایز بین دو مفهوم قربانی و نشان دادن ترجیح یهوه برای یکی به جای دیگری در نظر گرفته شده است. این دو مفهوم به طور خلاصه همان‌هایی هستند که به ترتیب به عنوان نظریه پیاکولار و نظریه نمادین یا هدیه شناخته شده‌اند. نظریه پیاکولار با ایده ضرورت کفاره گناه یا نیاز به کفاره مرتبط است، در حالی که نظریه هدیه یا نمادین تقریباً همانطور که از نامش پیداست: هدیه‌ای است که به خدا داده می‌شود. اما پیاکولار با این ایده مرتبط است که باید از جانب خدا عدالتش، کفاره گناه، ارضا شود.» او می‌گوید که احتمالاً دو مفهوم از قربانی در اینجا وجود دارد. او می‌گوید: «از این دیدگاه، نباید فرض کنیم که قابیل و هابیل صرفاً هر کدام از حاصلی که به آنها داده شده بود، هدیه‌ای به خداوند تقدیم کردند تا بدین وسیله حاکمیت یهوه را تصدیق کنند و تسلیم و اطاعت خود را از او ابراز دارند: و اینکه این صرفاً یک تصادف است که قربانی قابیل، به عنوان یک کشاورز، از میوه زمین بود، در حالی که قربانی هابیل، به عنوان یک چوپان، از نخست‌زادگان گله بود. هیچ دلیل واضحی وجود ندارد که چرا یهوه باید یک بره را به یک دسته گندم ترجیح دهد.» مطمئناً تفاوت عمیق‌تر است، زیرا «با/ایمان» (بود که هابیل قربانی‌ای والا تر از قابیل به خدا تقدیم کرد، که به نظر می‌رسد نشان می‌دهد که برتری والا ی قربانی او نه در ماهیت صرف چیزی که تقدیم شده، بلکه در نگرش قربانی‌کننده جستجو می‌شود. آنچه به نظر می‌رسد تلویحاً بیان شده این است که قربانی قابیل صرفاً عملی برای ادای احترام بود؛ قربانی هابیل تجسم حس گناه بود، یعنی عملی پشیمانی، فریادی برای یاری، التماسی برای بخشش. به طور خلاصه، «و این بیان ساده‌ی موضع وارفیلد در مورد این سوال است:» به طور خلاصه، قابیل با قربانی‌ای در دست و نظریه‌ی ادای احترام به قربانی در ذهنش به نزد خداوند آمد. هابیل با قربانی‌ای در دست و نظریه‌ی قربانی در قلبش. و به همین دلیل بود که یهوه به قربانی هابیل احترام گذاشت نه به قربانی قابیل

حال جمله پایانی او این است: «اگر چنین باشد، در حالی که می‌توانیم بگوییم قربانی توسط انسان اختراع شده است، باید بگوییم که با این عمل، قربانی مقدس توسط خدا وضع شده است. در سایر شیوه‌های تصور آن،

قربانی ممکن است نمایانگر دست درازی انسان به سوی خدا باشد؛ در مفهوم مقدس آن، نمایانگر تعظیم خدا در برابر انسان است. تفاوت اساسی این است که در یک مورد، قربانی بر آگاهی از گناه استوار است و به بازگرداندن یک انسان گناهکار به لطف خدای محکومکننده اشاره دارد. در مورد دیگر، خارج از هرگونه ارتباط با گناه قرار می‌گیرد و تنها به بیان نگرش صحیح احترامی که یک مخلوق باید نسبت به سازنده و حاکم خود حفظ کند، اشاره دارد.»

حال، این به یک تحلیل متقابل تا حدودی گمانه‌زنی برای آنچه «رویکرد جان موری به پیدایش ۴» قربانی عالی‌تر ممکن است بگویند در اینجا در پیدایش ۴ اتفاق می‌افتد، تبدیل می‌شود. اما فکر می‌کنم شما به این دلیل که متن مستقیماً به این موضوع نمی‌پردازد، می‌توانید به نوعی با این مشکل دست و پنجه نرم کنید. من فکر می‌کنم وارفیلد پیشنهاد نسبتاً هوشمندانه‌ای دارد. هر دو با قربانی‌هایی همراه هستند اما با مفاهیم متفاوت، و خدا یکی را تأیید می‌کند، اما دیگری را نه. این چیزی است که وارفیلد می‌گوید، نگاهی دقیق به تحریم‌ها، که وارفیلد آن را به قربانی هابیل نسبت می‌دهد.

حالا، فکر می‌کنم تقریباً تحلیل وارفیلد را می‌پذیرم، اما بگذارید فقط جنبه‌ی دیگر آن را به شما بگویم. من قبلاً چندین بار به یادداشت‌های جان موری در مورد الهیات کتاب مقدس اشاره کرده‌ام. وقتی او به این متن می‌رسد، می‌گوید: «به نظر می‌رسد که تفاوت نگرش از جانب خدا نه تنها به دلیل نگرش قابیل، بلکه به دلیل نوع قربانی‌ای که او آورد نیز بوده است»، و می‌بینید که این چیزی است که وارفیلد می‌گوید واقعاً هیچ تفاوتی ایجاد نمی‌کند. وارفیلد می‌گوید که این نگرش بود که ویژگی متمایز بود. موری می‌گوید، بسیار خوب، نگرش مهم است، اما نوع قربانی مهم است. او می‌گوید: «ما اشاره‌ای داریم که خدا آنچه را که برای پرستش لازم بود، آشکار کرده است، یعنی هم در مورد قالبی که نگرش در آن بیان می‌شود.» شما باید سعی کنید تصمیم بگیرید که چرا خدا این را پذیرفت و دیگری را رد کرد و من فکر می‌کنم باید بگویم که خود متن پاسخی ارائه نمی‌دهد. بله، احتمالاً نخست‌زادگان گله بودند، در حالی که نمی‌گویند نخست‌زادگان میوه بودند. خب، باز هم، می‌توان در این مورد حدس‌هایی زد. متن واقعاً به ما پاسخ نمی‌دهد.

آنچه موری در پاسخ به عبارت «به ایمان» قربانی نیکوتر آورد «می‌گوید، من تا اینجا تأکید را بر ایمان گذاشته‌ام. کاری که موری می‌کند این است که آن را بر «قربانی نیکوتر» می‌گذارد. چیزی که او می‌گوید این است که «به ایمان، هابیل قربانی نیکوتر آورد» «به این معنا که قربانی‌ای بود که با دستور العمل‌های قبلی مطابقت داشت. بنابراین، این قربانی در ذات خود عالی‌تر بود. او نمی‌گوید که نگرش بی‌اهمیت بود، اما بر ماهیت خود قربانی تأکید می‌کند. بنابراین، مسلماً، با عبرانیان ۴: ۱۱، می‌توانید بسته به جایی که تأکید را قرار می‌دهید، آن را با هر یک از این دیدگاه‌ها تطبیق دهید. به طور خلاصه، آنچه موری می‌گوید این است که به نظر می‌رسد تفاوت نگرش از جانب خدا نه تنها به دلیل نگرش قابیل، بلکه به دلیل نوع قربانی نیز بوده است. بنابراین، این نگرش و

نوع قربانی بود، و او در عبرانیان ۴: ۱۱ می‌گوید: «به ایمان، قربانی نیکوتر آورد «و» عالی‌تر» را به عنوان نوع قربانی درک می‌کند. این در یادداشت‌های سخنرانی منتشر نشده او موجود است. «اگر خوب عمل کنید» به عبارت دیگر، اگر به روش صحیح بیايید، اگر با نگرش صحیح بیايید، یا اگر با فداکاری مناسب بیايید، فکر می‌کنم می‌توانید آن را به هر دو صورت بخوانید، آیا پذیرفته نخواهید شد؟

«پیدایش ۴:۷» گناه بر در است

اما برای ادامه‌ی بحثمان به آیه‌ی ۷ می‌رسیم. به قائل گفته می‌شود: «اگر خوب عمل کنی، پذیرفته خواهی شد، و اگر خوب عمل نکنی، گناه بر در کمین کرده است.» حال، اصطلاح عبری آنجا، «گناه»، می‌تواند «گناه» یا قربانی گناه «خوانده شود. هر دو کلمه یکسان هستند. معمولاً به عنوان «گناه بر در کمین کرده است» در نظر گرفته می‌شود. عبارت «بر در خوابیدن»، عبارتی است که به نوعی مانند حیوانی که چمباتمه زده و آماده‌ی جهش است، نشان می‌دهد. بنابراین به نظر می‌رسد که این روش عادی درک متن است، گناه بر در کمین کرده است، مانند حیوانی که آماده‌ی جهش و بلعیدن، تسلط و کنترل است. اگر خوب عمل نکنی، این اتفاقی است که خواهد افتاد. گناه تو را کنترل خواهد کرد. و سپس آن جمله‌ی آخر، که در آخرین ساعت کلاس به آن پرداختیم، «آرزوی او برای تو خواهد بود»، یعنی گناه. آرزوی گناه تسلط و کنترل توست، اما تو باید بر آن حکومت کنی، این وظیفه‌ی توست.

حال اگر آن را به معنای «قربانی گناه» در نظر بگیرید، خواهید خواند: «اگر خوب عمل کنی، پذیرفته خواهی شد، و اگر خوب عمل نکنی، یک قربانی، یک حیوان ذبح شده برای کفار و آشتی خودت با خدا، دم در گذاشته شده است.» یکی از مفسران؛ اتکینسون، که در برگه خلاصه شما در آنجا، در تفسیر خود بر سفر پیدایش که توسط انتشارات مودی منتشر شده است، آمده است: «خداوند برای قابیل نیز مانند هابیل، کفاره گناه فراهم کرده است. هابیل از آن سوءاستفاده کرده بود، قابیل نیز ممکن است از آن سوءاستفاده کند. یک قربانی گناه معمولی، بره خونین بود که هابیل قبلاً آورده بود. قربانی گناه اساسی و اساسی «بره خدا است که گناه جهان را برمی‌دارد» به عبارت دیگر، اتکینسون «گناه» را به عنوان «قربانی گناه دم در» هم برای قابیل و هم برای هابیل تفسیر می‌کند.

اما بعد می‌بینید که این مستلزم درک کاملاً متفاوتی از عبارت آخر است. اگر آن را به عنوان قربانی گناه در درگاه درک کنید - و آرزوی او از آن تو خواهد بود و تو بر آنها حکومت خواهی کرد - با آن چه می‌کنید؟ و این مشکل آن درک از آیه است. کاری که اتکینسون با آن می‌کند این است - آرزوهای او از آن تو خواهد بود - که او "به هابیل اشاره دارد، او گفت. اگر قابیل با ایمان به سوی خداوند بیاید و خوب عمل کند، رابطه بین او و " برادرش درست می‌شود. آرزوی هابیل از آن او خواهد بود. او به عنوان حق نخست‌زاده بر برادرش برتری خواهد یافت. "آرزوی او از آن تو خواهد بود، آرزوی هابیل، و تو بر او حکومت خواهی کرد." او به عنوان حق نخست‌زاده بر برادرش برتری خواهد یافت. مشکل این است که به نظر می‌رسد مقدم "او" به "گناه" اشاره دارد که

در درگاه قرار دارد، و قرار دادن "هابیل" در آن نقطه واقعاً با ساختار آیه مطابقت ندارد. بنابراین من فکر می‌کنم تفسیر معمول این است که گناه بر در است و به دنبال تسلط و کنترل است، اما او باید بر آن حکومت کند، بهترین برداشت از آیه است، اما آیه‌ی دشواری است

«پیدایش ۹:۴ پاسخ خدا به «هابیل، برادرت کجاست؟»

بسیار خوب، همچنین با مرگ هابیل، شما متوجه اعمال خدا متعاقباً می‌شوید. در آیه ۹، خداوند به قابیل می‌گوید: «برادرت هابیل کجاست؟» «این یادآور گناه در باغ عدن است، جایی که خدا می‌آید و سؤال می‌کند. برادرت هابیل کجاست؟» «و به جای طفره رفتن یا تغییر تقصیر همانطور که قبلاً داشتیم، شما انکار آشکار دارید.» او گفت: «نمی‌دانم، آیا من نگهبان برادرم هستم؟» «و او گفت:» چه کار کرده‌ای؟ صدای خون برادرت از زمین به من فریاد می‌زند.» بنابراین او به سادگی گناه را انکار می‌کند. او می‌گوید: «نمی‌دانم، آیا من نگهبان برادرم هستم؟»

سپس در آیه ۱۱، اولین نفرین بر یک انسان که در واقع از اصطلاح اولین نفرین بر یک انسان - نفرین قابیل نفرین «استفاده شده است. در واقع، این ممکن است تمایزی تا حدودی مصنوعی بین نفرین و مجازات باشد. اما» اینجا می‌گوید: «اکنون تو از زمینی که دهان خود را گشوده تا خون برادرت را از دستت بگیرد، ملعون هستی. وقتی زمین را کشت کنی، از این پس قدرت خود را به تو نخواهد داد. تو در زمین فراری و آواره و سرگردان خواهی بود.» «مار نفرین شده بود. زمین نفرین شده بود و اکنون قابیل نفرین شده است. به نظر می‌رسد این نفرین، امتداد و تشدید نفرینی است که به انسان رسید یا مجازاتی است که به طور کلی با دشواری‌های کشاورزی بر انسان وارد شد. به جای اینکه قابیل در به بار آوردن محصولات از زمین مشکل داشته باشد، برداشت محصول هیچ نخواهد بود. این او را مجبور می‌کند تا به نوعی لاشخور باشد، تا برای یافتن آنچه می‌تواند خود را تغذیه کند، پرسه بزند. همانطور که در آیه ۱۲ آمده است: «وقتی زمین را کشت کنی، قدرت خود را به تو نخواهد داد. پس در تمام سال‌های زندگیت فراری و آواره خواهی بود.» بسیار خوب، آیا در مورد مرگ هابیل سؤالی دارید؟

فناوری پیش از طوفان نوح. ۲.

بیا بید به شماره ۲ برویم که عبارت است از: «فناوری پیش از طوفان نوح.» «به عبارت دیگر، فناوری پیش از طوفان. همچنین در فصل ۴، از آیه ۱۶، می‌بینیم که «قائن از حضور خداوند بیرون رفت و در سرزمین نود در شرق عدن ساکن شد. قائن همسرش را شناخت؛ او باردار شد و خونخ را به دنیا آورد. او شهری ساخت.» بنابراین در آیه ۱۷ به ساخت شهر اشاره شده است. او نام آن را به نام پسرش خونخ گذاشت

بیا بید آیات ۱۴ و ۱۵ را بخوانیم: «اینک مرا امروز از روی زمین راندی و از روی تو پنهان خواهم بود»

«و در زمین آواره و سرگردان خواهیم بود. هر که مرا بیابد، مرا خواهد کشت

و البته اغلب در رابطه با آن این سوال پرسیده می‌شود که «اگر فقط آدم و حوا قابل همسرش را از کجا آورد؟ و هابیل زنده بودند، آن شخص چه کسی می‌توانست باشد؟» «خب، فکر می‌کنم فرض طبیعی این است که آدم و حوا باید فرزندان دیگری هم می‌داشتند و این فرزندان در کتاب مقدس ذکر نشده‌اند. در آیه ۱۶ این سوال تشدید می‌شود زیرا در آیات ۱۶ و ۱۷ می‌خوانیم: «قابیل همسرش را شناخت؛ او باردار شد و خون را به دنیا آورد.» او همسرش را از کجا آورد؟ خب، باز هم، باید از دیگر فرزندان آدم و حوا بوده باشد. البته، اگر به فصل ۵، آیه ۳ مراجعه کنید، می‌گوید: «آدم ۱۳۰ سال زیست، و پسری به شباهت خود به نام شیت به دنیا آورد.» ما می‌دانیم که در سن ۱۳۰ سالگی، شیت از آدم و حوا به دنیا آمد، اما، ببینید، برمی‌گردیم به این سوال که فاصله زمانی بین سقوط و تولد شیت چقدر بوده است؟ ممکن است ۱۰۰ سال بوده باشد. و ممکن است فرزندان دیگری هم وجود داشته باشند. می‌دانید، در صد سال، ممکن است نسل‌های زیادی وجود داشته باشد؟ شما می‌توانید در ۱۰۰ سال ۵ نسل داشته باشید. به عبارت دیگر، اگر آدم و حوا پسران و دختران دیگری داشته باشند و آنها نیز به نوبه خود با هم ازدواج کنند و فرزند داشته باشند، می‌توانید در ۱۰۰ سال به راحتی ۵ نسل داشته باشید. بنابراین پتانسیل تکثیر در ۱۰۰ سال با فرزندان یک زوج بسیار زیاد است. البته فراتر از آن، می‌خوانیم که آدم ۸۰۰ سال زندگی کرد؟ بنابراین او در مجموع ۹۳۰ سال زندگی کرد. اما من فکر می‌کنم چیزی که ما با آن سر و کار داریم این بار قبل از تولد شیت بود، و فکر می‌کنم باید فرض کنیم که فرزندان دیگری از آدم و حوا متولد شده‌اند، و آن فرزندان ممکن است به نوبه خود فرزندان دیگری به دنیا آورده باشند. ممکن است چندین نسل بین تولد شیت و آنچه ما در اینجا در مورد آن صحبت می‌کنیم، فاصله بوده باشد.

اما در پیدایش ۹ آمده است که: «اگر کسی خون انسان را بگیرد، خون او به جرم کبیر و مجازات اعدام دست انسان ریخته خواهد شد.» - انتقام خون. اما من فکر می‌کنم خدا در آنجا ایده قانون و حکومتی را مقرر می‌کند که در آن این یک جرم کبیر است که با قضاوت برخورد خواهد شد. قبل از آن، من فکر می‌کنم تمایل طبیعی بشر - همه در ذات انسان - انتقام گرفتن است. تو این کار را با من بکن؛ من این کار را با تو خواهم کرد، و فکر می‌کنم این همان چیزی بود که قابیل از آن می‌ترسید، و فکر می‌کنم خداوند او را از آن محافظت کرد، که پاسخ به آن دشوار است، زیرا کتاب مقدس به آن نمی‌پردازد. خدا تا پیدایش ۹ صبر کرد تا مجازات اعدام را برقرار کند، چرا او این کار را اینجا نکرد؟ نمی‌دانم جواب این سوال چیست. برخی گفته‌اند که این کار انجام نشد چون او می‌خواست اجازه دهد ضعیف و قوی با هم رشد کنند. این نوعی از خداست که اجازه می‌دهد همه چیز بدون هیچ مانعی در جهت پیدایش ۶ پیش برود. اما حداقل در این مورد، او مانع از انتقام گرفتن کسی از قابیل می‌شود. قابیل از این می‌ترسید، و بنابراین خداوند می‌گوید: «هر که قابیل را بکشد، هفت برابر از او انتقام گرفته خواهد شد.» این شامل

هیچ علامت متمایزی روی صورت او یا نوعی چیز فیزیکی که او را از دیگران متمایز کند، نمی‌شود. این شامل این نمی‌شود. اینکه خداوند چه نوع نشانه‌ای داده است، ما نمی‌دانیم. اما برخی آن را به این صورت تفسیر می‌کنند که خداوند به قابیل نوعی نشانه‌ای داده است تا هر کسی که او را پیدا کند، او را نکشد. به عبارت دیگر، اینکه او کشته نخواهد شد. قرار بود زندگی او حفظ شود. مجازات او این بود که مجبور به سرگردانی شود، نمی‌توانست زمین را کشت کند. من فکر می‌کنم ایده هفت برابر به معنای کامل بودن، ایده کامل بودن است. خداوند از هر کسی که قابیل را بکشد، انتقام کامل خواهد گرفت. من فکر نمی‌کنم کسی که قابیل را بکشد، هفت نفر کشته شوند. فکر نمی‌کنم این ایده درست باشد. من فکر می‌کنم اگر کسی این ممنوعیت را نقض کند، خداوند از او انتقام کامل خواهد گرفت.

. می‌بینم که وقتمون دیگه گذشته. خیلی سریع گذشت. خیلی خب، از اول ساعت بعد، با ۲ تا ادامه می‌دیم.

رونویسی توسط کریستن بیبی  
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت  
ویرایش نهایی توسط ریچل اشلی  
روایت مجدد توسط تد هیلدبرانت